



ریشه‌شناسی نامهای ایرانی خدایان اوکراینی

ترجمه: علیرضا خداقلی‌پور

اسلاوها (و از جمله اوکراینی‌ها) در میان اقوام هند و اروپایی تنها مردمانی بودند که لغت خاصی از خود برای «خدا» نداشتند و آنرا از کلمه ایرانی «بغا»^۱ (اصلاً خدای شادی و رفاه) اخذ کرده بودند. کلمات دیگر اوکراینی که از همین ریشه است عبارتند از: «بهاج»^۲ (غنی)، بهاتستوو^۳ (ثروت) و نام مذکر «بُهدان»^۴ (خداداد).

محققین قرون نوزدهم و بیستم اوکراین از جمله وی. کورش، ام. نوفسکی، ال. اوهینکو و اندیشمند روس وی. ریباکف - نویسنده رساله بنیادین «کفر اسلاوهای باستان» (مسکو، ۱۹۸۱) هم وجود خدایانی با اسامی ایرانی را در معابد اسلاوها تأیید می‌کنند. این مسأله را می‌توان ناشی از نفوذ سکائی‌ها - ایرانیان در این منطقه دانست.

خدایان معبد روس کیف که در سال ۱۹۸۰ میلادی - عهد پرنس ولادیمیر - در تاریخ پوکایف به آنها اشاره شده، عبارتند از: پرون،^۵ خُرس،^۶ دژدبُه،^۷ استریوه،^۸ سمیرگل^۹ و ماکوش^{۱۰} که در اشعار حماسی و تاریخی «اسلاو و پولکویگوروی»^{۱۱} نیز به آنها اشاره شده است. (۱۱۷۸ میلادی) در نسخ بعدی نام برخی خدایان دیگر از جمله ویس،^{۱۲} تور،^{۱۳} یاریلو،^{۱۴} لادا،^{۱۵}

1. Bagha

2. Bahach

3. Bahatstvo

4. Bohdan

5. Perun

6. Khors

7. Dazhdboh

8. Stryboh

9. Simergle

10. Makosh

11. Slovo Opolku Ighorevi

12. Veles

کوبالو،^{۱۶} مورنا،^{۱۷} دیو،^{۱۸} و روحهای شگفت‌انگیز خانگی چور،^{۱۹} پک^{۲۰} و دومویک^{۲۱} نیز اضافه شده است. نامهای تمام این خدایان از ریشه فارسی هستند. معنی اولیه نام خدایان کیوسکاروس^{۲۲} در زبان اوکراینی، که بسیار جوانتر از زبان فارسی است ناپدید شده است.

معنی بسیاری از نامهای خدایان اوکراینی برای دانشمندان تاریخ، قابل درک نبوده است، گرچه ما تصور می‌کنیم که پاسخ‌های رموز افسانه‌ها و تاریخ در زبان فارسی قابل دریافت است. الهه اصلی افسانه‌های اوکراینی پرون بود، که برای اولین بار در قرن ششم از آن یاد شده است. مورخ مشهور بیزانس، پروکوپوس،^{۲۳} به الهه اسلاو که نور ساطع می‌کرد، اشاره دارد، ولی از هیچ نامی یاد نمی‌کند. نام پرون در معاهدات شاهزادگان کیف با یونانی‌ها آمده است (اولگ ۹۰۷، ایگور ۹۴۴، اسویاتوسلاو ۹۷۱).

زیانشناسان نام این الهه را با نام لیوفیایی «پروناس»^{۲۴} و «پرکوناس»^{۲۵} که یک کلمه هند و اروپایی معادل درخت یا برگ بلوط است، مرتبط می‌دانند (لغت معادل در لاتین «کوثرکوس»^{۲۶} است). زمانیکه نور به درختان بزرگ از جمله بلوط می‌رسد، بلوط بهترین ماده برای ساختن بت پرون فرض می‌شود. تاریخ هوستین اشاره دارد که در مقابل پرون آتشی با استفاده از چوب بلوط بر پا می‌شده است. پرون تنها الهه‌ای بود که از اسکاندیناوی به کیف منتقل شد، در حالیکه بقیه بتها تنها استفاده محلی داشتند و می‌توان ریشه آنها را در ایران جستجو کرد. در سال ۹۸۸ زمانیکه شاهزاده ولادیمیر از سلسله اسکاندیناویایی روریک،^{۲۷} روس را تعمیم داد، تمام بتها بجز پرون، که به داخل رودخانه انداخته شد، در آتش سوزانده شدند. «اسلاو و پولکویاگوروی» هیچ نامی از پرون به میان نمی‌آورد و تمام شهروندان کیف را نوادگان «دژدبه» می‌خواند. دژدبه الهه خورشید و مهمترین الهه محلی بود.

در «تاریخ ایپاتیف» (۱۱۱۴ م) آمده است که بعد از «اسواروگ»^{۲۸} (الهه آسمان)، پسر او،

13. Tur

16. Kupalo

19. Chur

22. Kyivska Rus

25. Perkunas

28. Svarog

14. Yarylo

17. Morena

20. Pek

23. Prokopius

26. Querkus

15. Lada

18. Duv

21. Domovyk

24. Pereunas

27. Rurik



دژدبُه، با نام خورشید حاکم شد. تحقیقات در افسانه‌های اوکراینی بر ریشه ایرانی این نام که از کلمه «داق»^{۲۹} به معنی تنور، آتش + بقا (خدا) نشأت می‌گیرد، تأکید دارند.

الهه بعدی در میان خدایان اوکراینی «خُرس» است. برخی از پژوهشگران (او.بودیانسکی، ام.یا هیچ، ام. هرشفسکی، وی.ریباکف) تنها دو الهه رامی‌پذیرند. در نوشته‌های قدیمی هیچ کلمه‌ای برای نامیدن خدایان با تلفظ مشابه خُرس، خورس^{۳۰} یا خارس^{۳۱} و حتی خُرس^{۳۲} وجود ندارد. در اینمورد فرضیه‌های متعددی ارائه شده، ولی فرضیه‌ای که بیش از همه به واقعیت نزدیکتر است معتقد است که کلمه «خُرس» از کلمه ایرانی خورشید ریشه می‌گیرد.

استریبوه الهه باد بود. باد در کیف قدیم نقش بسیار مهمی داشت، چراکه قایقهای بادی وسیله اصلی حمل و نقل بودند. در زبان اوکراینی حدود ۲۰ نام برای انواع مختلف بادبان و قایقهای بادی وجود دارد. ریشه این لغت به لغات اسلاوی «استریبتی»^{۳۳} و «استرتی»^{۳۴} به معنای «پربدن» و «تخریب کردن» بر می‌گردد. زبان فارسی جدید نیز ریشه‌های مشابهی چون «ستردن» (تراشیدن، پاک کردن) و همچنین «سترگ» (مقتدر، توانا) دارد. وی گُرش، اندیشمند بزرگ، ریشه اصلی کلمه خُرس را لغت ایرانی «استریبقا»^{۳۵} به معنی «خدای بزرگ و برتر» می‌داند.

سیمرگل در افسانه‌های خدایان مرموزترین و اسرارآمیزترین الهه محسوب می‌شود. زبان‌شناسان برای شناسایی ریشه این کلمه توجه غیر متعارف و عمده‌ای به حروف و صداها و اسلوب ترکیبی زبان اوکراینی داشته‌اند. سه نوع تلفظ برای این کلمه وجود دارد: «سیمارگل»^{۳۶} و «سیمرگل»^{۳۷} و «سیمارگ»^{۳۸} تاریخ «اسلاوونایمییا خریستولیوتس»^{۳۹} نیز دو کلمه برای این لغت دارد: «سیم» و «رگل» به نظر ریباکف سیمارگ - سیمرغ - نامی است که ایرانیان به حیوان پرنده‌ای که از بذرها محافظت می‌کند، اطلاق می‌نمایند و در اثبات عقیده خود به ریشه‌شناسی

29. Dagh

30. Khurs

31. Khars

32. Khres

33. Strybaty

34. Sterty

35. Stribagha

36. Simaregl

37. Simorgl

38. Simarg

39. Slovo na im'ya Khristolibuts

لغت «سمیا»^{۴۰} به معنی بذر - می‌پردازد. البته بیشتر به نظر می‌رسد که سیمارگ الهه بداخلاقی باشد. همچنین در زبان فارسی کلمه‌ای موسوم به سیمِغ (یا در فارسی قدیم - اوستا - سیانامریگا)^{۴۱} وجود دارد. همچنین کلمه دیگری در زبان هندی قدیم برای پرنده‌ای بنام «شی نیا»^{۴۲} که نوشیدنی غیراخلاقی، سوما،^{۴۳} را از خدایان دزدید - دیده می‌شود که وصف هر دو پرنده شبیه یکدیگر است (اندام بزرگ، بدنه طلایی و بالهای آتشین) بر روی یک گلدان نقره‌ای قدیمی ایرانی متعلق به سده‌های ۷-۶ میلادی نقش پرنده بزرگ و مقدسی دیده می‌شود که در پنجه‌های خود الهه حاصلخیزی را حمل می‌کند. معبد کیف نیز اسامی سیمِغ و ماکوشا^{۴۴} (الهه حاصلخیزی) را در کنار یکدیگر دارد.

نام الهه حاصلخیزی و باروری ماکوشا (زن قابله، که در بت زبروچانیسکی (قرن نهم) بعنوان شخصیت اصلی) از کلمه فارسی «مک»^{۴۵} - شیر گاو تازه زاییده - ریشه می‌گیرد. البته ریباکف هم نظر دیگر دارد و کلمه ماکوشا را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ به این شکل که «ما» نماینده مادر است و «کوش» به معنای سبد و با هم معنای «مادر یک خرمن پریار» پیدا می‌کنند. ریشه‌شناسی کلمه «کوپالو (خدای شکوفه ابتدای بهار و عشق) هم از لغت فارسی «کوپال» - به معنی غنچه - ناشی می‌شود. اسامی چوروپک (ارواح و مدافعان آتش نشان) نیز از لغات فارسی چوب و «پک» به معنی: ۱. دود کردن ۲. چیز خشکی که برای گیراندن آتش مورد استفاده قرار می‌گیرد، ریشه می‌گیرند. ضمن اینکه کلمه اوکراینی «چورپک»^{۴۶} به معنی هیزمهای ریز جنگلی نیز معنایی نزدیک به این مورد دارد. لادا، الهه ازدواج، نیز با لغات فارسی «لدنی» به معنای الهی و «لادن» به معنی بُخور هم خانواده است. کلمه «یاریلو» خدای عشق پرشور بهار، نیز از نظر نویسنده از کلمه ایرانی «پارا» به معنی توانا و مقتدر و در عین حال محبوب ریشه می‌گیرد.

این نمونه‌ها و دیگر یافته‌ها از ریشه‌شناسی اسامی خدایان ممالک قدیم اوکراین، منشأ ایرانی و فارسی آنها را اثبات می‌کند و می‌توان این فرضیه را ارائه کرد که قلمرو باستانی اوکراین را می‌توان توران نامید، به این دلیل که میش‌های سیاه وحشی بنام «تور»^{۴۷} در آنزمان تا قرن

40. Semia

43. Soma

46. Choorpak

41. Siana Mriga

44. Makosha

47. Tur

42. Shyena

45. Mak



شانزدهم در جنگلها و بیشه‌های اوکراین می‌زیستند. تور الهه و سمبل دلیری و قدرت بود، چنانکه در اشعار «اسلاو و پولکوا یگوروی» و تاریخ «ایپاتیوسکی»^{۴۸} به آن اشاره شده است. اسامی و لغات موضعی متعددی با ریشه یکسان با «تور» در اوکراین امروز نیز وجود دارد، مانند تورییا،^{۴۹} توریسک،^{۵۰} توریف^{۵۱} و توریفکا.^{۵۲}

و به این دلایل می‌توان نتیجه گرفت که روابط تاریخی ملل ایران و اوکراین بوضوح در سطح ادبیات و ریشه‌شناسی زبان نیز به چشم می‌خورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

48. Ipatiyivskiy

49. Turiya

50. Turiysk

51. Turiv

52. Turivka



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی